سبک اشتغال

محمدمهدی صافی|جوان

مراقب باشیم بازار داغ بورس تنبلی اجتماعی را ترویج ندهد

سرمایه‌گذار تک بُعدی نباشیم!

حتماً سرمایه‌گذاری خوب است اما جامعه به دانشجو، کارمند، کارگر، نقاش، مکانیک، بقال، تاجر، پلیس، روحانی، روانشناس و هر شغل دیگری که به ذهن شما می‌رسد نیاز دارد. باید توجه داشت که در کنار همه این شغل‌ها «برخی» شغلشان سرمایه‌گذاری است. قرار نیست شما هم فقط سرمایه‌گذار باشید. می‌توانید در کنار معلم بودن، مکانیک بودن و کارگر بودن اضافه مخارجتان را سرمایه‌گذاری کنید. قرار نیست شما همه زندگی‌تان را رها کنید و بورسی شوید

■ **مصطفی مولوی**

برخی این روزها اخبار را جدی‌تر دنبال می‌کنند. به بعضی از واژه‌ها بیشتر حساس شده‌اند حتی افرادی که ساعت پخش اخبار از شبکه‌های تلویزیونی را نمی‌دانستند، در این روزها پای گفته‌های اخبارگو می‌نشینند تا خبرها به «بورس» برسد و جدی‌تر گوش دهند. بورس امروز برای خیلی‌ها جذاب شده و همه از آن در محفل‌هایشان سخن به میان می‌آورند. دیگر از تحلیل‌های سیاسی در گفت‌وگوها خبری نیست و تحلیل‌های اقتصادی و برخی اصطلاحات بورسی در جملات شنیده می‌شود. یکی به طنز می‌گفت: روزی را می‌بینم که وقتی در تاکسی نشسته‌ای، راننده به جای بحث سیاسی و تحلیل اوضاع مملکت، سیگنال خرید می‌دهد و تحلیل شرکت‌ها را می‌کند. اخبار آزادسازی سهام عدالت هم در این میان موجب رونق بیشتر این نوع گفت‌وگوها شده است.

■■■

■ **رونق بورس خوب است، اما...**

بی‌شک رونق بورس برای همه ارکان یک کشور مفید و سازنده است. رونق تولید، تبدیل سرمایه مخرب و تورم‌زا به مولد و رونق مالی سرمایه‌گذاران را از فواید اولیه رونق بازار سرمایه می‌توان شمرد که حضور بیشتر مردم در بورس و گسیل شدن سرمایه‌های سرگردان به بازار سرمایه موجب جهش تولید و به تبع آن جهش اقتصادی کشور خواهد شد و این اتفاق مبارکی است. البته در این بین اگر تک بُعدی به این موضوع مهم نگاه شود می‌تواند اثرات نامبارکی را هم به دنبال آورد که به جهت سبک زندگی و مفاهیم تمدنی مهم و نگران کننده است. باید در کنار همه این مفاهیم و فواید خوب اقتصادی آن به برخی موضوعات که ممکن است روش زندگی فردی و اجتماعی را دچار تغییرات فرهنگی کند نیز توجه کرد.

■ **سبک زندگی به شیوه بورسی**

روزی که همه در بورس فعالیت می‌کنند، با الان شاید متفاوت باشد. به نظر آن روز نوع تعاملات مالی آدم‌ها، نوع نگاهشان به پول و ابهت برخی اعداد و ارقام تغییر خواهد کرد. سبک زندگی همراه با مفاهیم بورسی، بسیار متفاوت‌تر از بدون آن خواهد بود. حتی نگاهشان به حکومت، دولت، تولید، اقتصاد و... هم تغییر خواهد کرد. سرمایه‌داری را دیگر در دلالی دلار و خانه و سکه نخواهند دید. احساس موفقیت، احساس رضایتمندی از زندگی و نگاه به برخی شغل‌ها تغییر می‌کند. اینها به نظر خوب می‌رسد اما ممکن است کمبود برخی شغل‌ها بیشتر از امروز خود را نشان دهد. ایرانی جماعت که امروز دنبال مهندس شدن و دکتر شدن است و کار اداری و پشت میزی را بیشتر می‌پسندد و گاهی فقط پشت میزنشینی را شغل می‌داند، دیگر فکرش تغییر می‌کند و به پشت میزی هم قناعتی نخواهد داشت و ممکن است رختخواب را بپذیرد و یک سیستم برای معامله و این یعنی فصل جدیدی از تنبلی اجتماعی که همه به دنبال رفاه، اما بدون فعالیت و زحمت هستند. البته بر هیچ کس پوشیده نیست که فعالیت حرفه‌ای در بورس انرژی زیادی می‌خواهد و کم زحمت نیست اما بی‌شک از فعالیت یدی زحمت کمتری دارد و متأسفانه درصد قابل توجهی از فعالان در بازار حال و آینده سرمایه کشور، حرفه‌ای نیستند و نخواهند بود.

■ **بورس تمام سرمایه‌ها را نبلعد**

حرف بر سر این نیست که چون اقبال به بورس به جهت سهولت در کسب درآمد، موجب اقبال کمتر به برخی شغل‌ها و حرفه‌ها می‌شود و از این جهت کمبود برخی نیازمندی‌های شغلی را ایجاد می‌کند و در یک کلمه نظم شغلی جامعه را به هم می‌زند پس بورس بد است و نباید به آن تشویق و ترغیب کرد. نه اصلاً منظور این نیست. هیچ کس نمی‌گوید چون شغل لحاف‌دوزی و پنبه‌زنی از بین رفته است پس نباید خوشخواب و تشک تولید شود. موضوع این است که ترویج فرهنگ سرمایه‌گذاری در کنار این ترغیب و تشویق‌ها باشد و حتی بیشتر. نگرانی از این است که شاید آینده ایرانی بورسی، مثل شهروندان دیگر کشورها که بورسی شده‌اند نباشد؛ اینگونه که همه کارهای زندگی عادی را دارند، شغل دارند، حرفه دارند و در کنار همه آنها سرمایه‌گذار بازار سرمایه کشورشان هم هستند. باید این توجه را داد که مردم زندگی عادی خود را داشته و در کنار آن سرمایه‌گذار باشند. صرف سرمایه‌گذاری شغل همه افراد نشود. اینطور نشود که این روزها شنیده می‌شود افراد سرمایه‌های شغل و حرفه خود را به سمت بورس می‌آورند؛ یعنی سرمایه‌های ضروری. قرار است بازار سرمایه برای سرمایه‌های سرگردان باشد نه اینکه تمام سرمایه‌ها را هورت بکشد. اگر این اتفاق بیفتد بی‌شک نظم اجتماعی و سبک زندگی تغییری شگرف خواهد کرد که بسیار نگران‌کننده است.

■ **بورس در کنار سایر مشاغل و سرمایه‌گذاری‌ها**

حتماً سرمایه‌گذاری خوب است اما جامعه به دانشجو، کارمند، کارگر، نقاش، مکانیک، بقال، تاجر، پلیس، روحانی، روانشناس و هر شغل دیگری که به ذهن شما می‌رسد نیاز دارد. باید توجه داشت که در کنار همه این شغل‌ها «برخی» شغلشان سرمایه‌گذاری است. قرار نیست شما هم فقط سرمایه‌گذار باشید. می‌توانید در کنار معلم بودن، مکانیک بودن و کارگر بودن اضافه مخارجتان را سرمایه‌گذاری کنید. قرار نیست شما همه زندگی‌تان را رها کنید و بورسی شوید.

رونق بورس فصل جدیدی از نحوه سرمایه‌گذاری را در ایران به وجود خواهد آورد، همه باید توجه داشته باشیم که این اتفاق مبارک، تمام ابعاد زندگی را تحت‌الشعاع قرار ندهد. پیشینه آموزش ما این را نشان می‌دهد که تشویق زیاد به یک موضوع، موجب تربیت تک بُعدی شده است. معمولاً توجه و ترغیب به یک رشته موجب رشد فزاینده محصلان آن رشته می‌شود و دیگر رشته‌ها یا رها شده‌اند یا کم رونق. این اتفاق در مورد بورس نیفتد. سرمایه‌گذاران تک بُعدی رشد نکنند. بورس تنها راه برای کسب درآمد نیست، راهی در کنار راه‌های دیگر است. اگر این مفاهیم در ذهن سرمایه‌گذاران نهادینه نشود، بورس در آینده حتی به اقتصاد تولید کشور هم کمکی نخواهد کرد.

نگاه

کووید ۱۹ نقاب‌ها را کنار زد

جهان با دور آهسته

■ **صادق پرویزی**

ویروس کووید ۱۹یا همان کرونا با آمدنش دنیا را غافلگیر کرد و چنان ترمز دنیای قرن ۲۱ را که با سرعت در حال حرکت بود کشید که حداقل تا چند ماهی نتواند دوباره حرکت خودش را آغاز کند. شاید که خواست کمی دنیا استراحت کند و کمی بایستد و به آنچه در این عالم می‌گذرد بیشتر بیندیشد و چشمش را به روی واقعیت‌ها باز کند و آنها را ببیند. همین ویروس کوچک باعث شد خیلی چیزها آشکار شود و پرده‌ها را از روی خیلی چیزها کنار بزند.

■■■

■ **کلاس غربِ نایس فرو ریخت!**

غربِ باکلاسِ به اصطلاح خیلی نایس، معلوم شد آنقدرها هم باکلاس و خوشگل نبود، عمری است خیلی‌ها فریب ظاهرش را خورده بودند و سال‌ها بود که داشتند سرکوفت چیزی را به جهان سومی‌ها می‌زدند که ظاهرش تنها زیبا بود و چیزی جز یک تظاهر و فریب نبود. در این اتفاقات اخیر دیدیم که چگونه دولت‌هایشان بازگشتند به همان اصالتی که داشتند و دوباره هوس کابوی بودن و یاغی‌گری کردن و سرگردنه گرفتن و خاطرات دزدان دریایی و زمینی را برای همه زنده کردند.

آنقدر هم در نقش دزد بودنشان خوب بودند که دست تمام بت من‌های سینمایی را از پشت بستند. از زمین و دریا چنان محموله ماسک‌های یکدیگر را غارت می‌کردند که ضرب‌المثل‌های ما را هم تغییر دادند اگر قدیمی‌ها می‌گفتند: «هرکه بامش بیش برفش بیشتر» اکنون ما باید بگوییم: «هر که زورش بیش ماسکش بیشتر.» دنیا نیاز داشت تا کمی با حقیقت واقعی غرب به‌ظاهر نایس و جنتلمن آشنا شود و بفهمد این غرب همان غرب وحشی سابق است، تنها با این تفاوت که غرب قدیم برونگرا بود و خباثتش را در ظاهر آشکار می‌کرد، اما غرب امروز کمی درونگراست و این خباثت را زیر خیلی چیزها پنهان کرده است، هر چند خیلی از اوقات این درونگرایی‌شان بیرون می‌زند. این پرده زیبا دیگر خیلی وقت است که کنار رفته و باطن واقعی‌شان مشخص شده است، ولی کرونا این فرصت را داد تا با دور آهسته هم صحنه‌هایی از واقعیت تمدن غربی را ببینیم.

■ **ماسک سلبریتی‌ها کنار زده شد**

اما این فرصت تنها برای دیدن دنیای غرب نبود. در داخل هم صحنه‌هایی هست که باید آنها را با دور آهسته دید و درباره آنها کمی تأمل کرد، یک نمونه‌اش برخی از همین جماعت سلبریتی که دیگر خیلی وقت است سکه‌شان خریدار ندارد. اینها که برخی از آنها همیشه از عالم و آدم طلبکارند و دیگران را بدهکار خود می‌دانند و صدایشان بلند بود که: «این ماسک سلبریتی را از چهره ما کنار بزنید و به ما بگویید مردم ما همان خود خود مردم هستیم» خیلی وقت است که با بازی با این کلمات گوش همه را کر کرده‌اند آنجایی که وقت عمل می‌رسد نمی‌شود پیدایشان کرد. آقا و خانم سلبریتی که همیشه فریادتان بلند است که کنار مردم هستید چرا معمولاً در روزهای سخت شماها را کنار مردم نمی‌بینیم. بگویید در روزهای سخت کجا هستید؟ از کنار مردم بودن کدام مردم منظورتان است؟ شاید مردمی که در یک سیاره دیگر زندگی می‌کنند را می‌گویید. آقا و خانم سلبریتی این روزها دقیقاً کجایید؟! شما جماعت سلبریتی که کارتان را خوب بلد هستید هم خوب حرف می‌زنید و هم خوب ژست می‌گیرید و این همه ادعا دارید که از مردم هستید، بسیار خب قبول، کافی‌است تنها کمی مثل مردم باشید و مثل مردم زندگی کنید، اینکه دیگر فریاد زدن نمی‌خواهد تنها کمی مثل مردم باشید تا باورتان کنیم، به همین سادگی.

این روزها صحنه‌هایی می‌بینیم از همدلی و همکاری و کمک‌های مردمی به یکدیگر که از توصیف آنها زبان عاجز است. کرونا درست است که با خود یک بیماری آورد و سبب مشکلات زیادی شد اما سبب شکل‌گیری یک سبک جدید از همدلی و کمک هم شد. مساجد بسیاری به محل‌های تولید ماسک تبدیل شدند، پایگاه‌ها، مرکز ساخت مواد ضدعفونی شدند و هیئت‌ها هم سراغ نیازمندان شتافتند تا کمی در معیشت زندگی‌شان کمک حالشان باشند

■ **صحنه‌های دل انگیری که خلق شد**

اما از این جماعت بگذریم برویم سراغ همان خودِخودِ واقعی مردم. این روزها صحنه‌هایی می‌بینیم از همدلی و همکاری و کمک‌های مردمی به یکدیگر که از توصیف آنها زبان عاجز است. کرونا درست است که با خود یک بیماری آورد و سبب مشکلات زیادی شد اما سبب شکل‌گیری یک سبک جدید از همدلی و کمک هم شد. مساجد بسیاری به محل‌های تولید ماسک تبدیل شدند، پایگاه‌ها، مرکز ساخت مواد ضدعفونی شدند و هیئت‌ها هم سراغ نیازمندان شتافتند تا کمی در معیشت زندگی‌شان کمک حالشان باشند. باز هم همان‌هایی که ادعایی نداشتند مثل همیشه در روزهای سخت کنار مردم حاضر شدند و بارها را به دوش گرفتند بدون هیچ منت و ادعا و توقعی. به قول فرنگی‌ها باید بایستیم و کلاه از سر برداریم به احترام این بچه هیئتی‌ها و بسیجی‌هایی که این روزها کوچه به کوچه مشغول ضدعفونی، گندزدایی و توزیع ماسک به مردم هستند. این روزها بار دیگر ظرفیت هیئت‌ها، مساجد و پایگاه‌های بسیج نمایان شد و این سبب تغییر نگرش و آغاز یک فصل جدید در کارکردها و رسالت‌هایشان خواهد شد.

سبک مراقبت

نگاهی به چالش فضای مجازی و تربیت فرزندان

کودکان و نوجوانان را در فضای بی‌انتهای مجازی رها نکنیم

■ **سید امیرحسین حسینی***

فضای مجازی به عنوان ابزاری جدید جهت توسعه روابط اجتماعی میان افراد توانسته است در زمانی کوتاه، به سرعت در میان زندگی مردم نفوذ کند. شهروندان بسیاری در سنین مختلف و از اماکن دور و نزدیک و گاهی از مسافت‌های بسیار دور در نقاط مختلف جهان از طریق فضای مجازی و همچنین با گسترش شیوه‌های ارتباطی نوین می‌توانند با یکدیگر تعامل برقرار کنند. امروزه خانواده‌ها با وجود شبکه‌های مختلف جهانی نظیر اینترنت، ماهواره و... با سبک جدیدی از زندگی روبه‌رو هستند که علاوه بر مزایا و ویژگی‌هایی که دارند می‌تواند در مواقعی نیز تبدیل به تهدیداتی برای خانواده‌ها شود.

××××

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی همواره مرزهای قابل نفوذی روی کودکان و نوجوانان دارد که فضای مجازی به دلیل گسترش و همه‌گیری به راحتی توانسته است در خانواده‌ها رخنه کند. شیوع استفاده از شبکه‌های مجازی در میان اعضای خانواده سبب به وجود آمدن آسیب‌ها و تهدیداتی در هنجارها و نقش‌های اعضای خانواده به ویژه کودکان و نوجوانان گردیده است. آسیب‌های فضای مجازی تعلیم و تربیت کودکان را تحت‌الشعاع قرار داده و آثار و پیامدهای منفی اینترنت را می‌توان در رابطه با آداب و اخلاق زندگی خانوادگی به وضوح مشاهده کرد. گسترش استفاده از قابلیت‌های فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آسیب‌هایی را در رابطه با تعلیم و تربیت کودکان به وجود آورده است از جمله: انحرافات اخلاقی به دلیل دسترسی آسان به منابع غیراخلاقی، از بین رفتن یا کم شدن باورهای دینی و مذهبی، القای شبهه و تناقض و تعارض ارزش‌های ملی، دینی و اعتقادی، آسیب‌های شخصیتی و روانی نظیر اعتیاد به فضای مجازی، گوشه‌گیری اجتماعی و هدر دادن زمان و آسیب‌هایی در خانواده از جمله کاهش ارتباطات خانوادگی، تغییر شیوه رفتار بین والدین و فرزندان، از بین رفتن حرمت بین کوچک‌ترها و بزرگ‌ترها و ایجاد شکاف بین نسل‌ها.

مهم‌ترین محصولات فرهنگی اعم از فیلم، عکس، متن، بازی‌های رایانه‌ای و... را به راحتی می‌توان در فضای مجازی به دست آورد یا به اشتراک گذاشت. انتشار مطالب ضد دینی و حملات سایبری به اعتقادات مذهبی کاربران توسط افراد مغرض با ترفندها و انگیزه‌هایی به خصوص، اقدام به تضعیف باورهای کاربران کرده است. با توجه به یکسان نبودن عقاید و نگرش کاربران در فضای مجازی و تولید محتواهای متنوع فرهنگی از همه جای جهان با دیدگاه‌های مختلف این چالش را به وجود می‌آورد که آیا کودکان، نوجوانان و جوانان کشور ما با آموزه‌های دینی و اعتقادی اسلامی می‌توانند از پسِ این جنگ نرم و هجمه تولیدات مجازی غرب و غربگرایان بر آیند؟ به همین دلیل نظارت و راهنمایی والدین در کنار آموزش سواد رسانه و آگاهی از تهدیدات و خطرهای پیش‌رو در فضای مجازی می‌تواند بهترین راهکار در خصوص رفع این آسیب‌ها باشد.

اعتیاد به اینترنت نیز می‌تواند مشکلی جدی و اساسی برای خانواده‌ها به وجود آورد، می‌توان گفت اگر کاربری نتواند به مدت یک ماه از اینترنت و فضای مجازی دور بماند نشان‌دهنده این است که در معرض اعتیاد به این فضا قرار دارد. افزایش حضور در فضای مجازی و اعتیاد به آن سبب می‌شود تصور زندگی در دنیای مجازی جایگزین دنیای واقعی شود و گاهی اوقات نوجوانان و جوانان به دلیل عدم درک دنیای واقعی در مواجهه با مشکلات دچار سردرگمی و همچنین کاهش مسئولیت‌پذیری می‌شوند.

استفاده از اینترنت در زمان‌های طولانی و به طور مداوم زمان اختصاص یافته به اعضای خانواده و ارتباطات میان آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا جایی که شکاف بین نسلی به وجود آمده و ارتباط صمیمانه بین فرزندان و والدین از میان رفته و این فاصله روزبه‌روز بیشتر می‌شود. در چنین موقعیتی نقش والدین و خانواده‌ها در ارائه آموزش‌های مجازی به کودکان و بالا بردن سواد رسانه‌ای آنها جهت گرفتار نشدن در دام خطرات و مشکلات این فضا به خوبی حس می‌شود که البته این مهم نیز مستلزم یادگیری سواد رسانه‌ای از سوی والدین است.

راهکارهای مختلفی برای رفع آسیب‌های مجازی خانواده‌ها وجود دارد که با راهنمایی‌ها و نظارت صمیمانه والدین می‌تواند سبب بالا بردن سطح فرهنگ و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان در استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شود.

کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیرترین مخاطب رسانه‌ها می‌باشند که اغلب بی‌تجربه، احساساتی و کنجکاو هستند که گاهی مواقع به دلیل تنهایی و نداشتن هم‌صحبت و هم‌بازی به شبکه‌های اجتماعی و افراد غریبه در این فضا رو می‌آورند.

نظارت و همراهی والدین برای کاهش آسیب‌پذیری این قشرِ کنجکاو ضروری است و داشتن سواد رسانه‌ای و همین طور اهمیت افزایش آگاهی در بین کاربران برای شناسایی خطرات احتمالی و مواجهه صحیح با آنها همواره توصیه می‌شود.

همچنین توصیه می‌شود والدین گرامی جهت هدایت فرزندان و مصون ماندن از تهدیدات فضای مجازی موارد زیر را در نظر داشته باشند:

۱. زمان استفاده از اینترنت را کنترل و محدود کنند.

۲. به نوجوانان بیاموزند هر مطلب، عکس، فیلم و خبری که در فضای مجازی می‌بینند لزوماً درست، قطعی و واقعی نیست.

۳. روی سایت‌هایی که فرزندانشان مراجعه می‌کنند حتماً نظارت داشته باشند.

۴. با تکنولوژی‌های جدید آشنا شوند، دور ماندن والدین از پیشرفت‌های جدید سبب ایجاد شکاف بین نسلی می‌شود.

۵. زمان‌هایی را اختصاص دهند تا همراه فرزندانشان از سایت‌های مختلف دیدن کنند، راجع به محتوای آنها صحبت نمایند و بازی‌ها و فعالیت‌هایی را داشته باشند.

۶. به فرزندان بیاموزند که گفت‌وگو با افراد در چت‌روم‌ها و... همانند ارتباط با افراد غریبه در دنیای واقعی است پس موارد لازم را جهت احتیاط رعایت کنند.

۷. به فرزندان تأکید کنند که نباید اطلاعات شخصی و خانوادگی را در اینترنت در اختیار دیگران قرار دهند.

۸. هرگز با کسی که در اتاق گفت‌وگوی اینترنتی آشنا شده‌اند ملاقات واقعی ترتیب ندهند.

۹. به آنها آموزش دهند همانگونه که در ارتباطات واقعی مواردی نظیر فحش ندادن، الفاظ زشت به کار نبردن، عدم استفاده از طنز و مطالب مبتذل و... را رعایت می‌نمایند در فضای مجازی نیز باید این موارد را رعایت کنند.

۱۰. رایانه را در فضای تردد قرار دهند نه در اتاق شخصی تا بتوانند زمان استفاده فرزندان از رایانه به راحتی نظارت داشته باشند.

۱۱. والدین زمانی از وقت خود را برای فراگیری دانش‌های رسانه‌ای و بالا بردن سواد رسانه‌ای خود قرار دهند تا هم خودشان از خطرات فضای مجازی ایمن شوند و هم فرزندانشان را آگاه سازند. امروزه وارد شدن در فضای مجازی آسان است ولی سالم بیرون آمدن از آن کار سختی است که با داشتن سواد رسانه‌ای می‌توان سبب نجات خانواده از افتادن به دام آسیب‌های این فضا و مشکلات آن شد. اگر تا قبل از عصر حاضر سواد محدود به خواندن و نوشتن می‌شد امروزه سواد مفهومی فراتر و وسیع‌تر یافته و سواد خواندن و نوشتن در کنار سواد ارتباطی، سواد عاطفی، سواد رایانه‌ای، سواد مالی و البته سواد رسانه‌ای شش معیار یونسکو برای باسواد تلقی شدن در عصر حاضر است.

*** نویسنده و پژوهشگر سواد رسانه**